



مهدی ناظری

Mehdinazeri54@gmail.com

مگر خشکسالی پدیده‌ای عجیب در کشورمان است؟! چرا وعده خودکفایی داده شد؟



آیا اسکندری در هنگام اعلام قطعی و صریح خودکفایی در محصول استراتژیک، وقوع پدیده‌ی خشکسالی را نادیده گرفته بود؟

و دانه‌های روغنی طی چهار سال خودکفا می‌شویم». در این مقال قصد نداریم که خدای ناکرده خشکسالی را پتکی بر سر تصمیم‌گیران بخش کشاورزی کنیم. اما معتقدیم که برخی کاستی‌ها و اشتباهات نیز نباید در پس خشکسالی پنهان بماند.

وزیر جهاد کشاورزی قطعاً به عنوان بالاترین مقام تصمیم‌گیرنده اجرایی در بخش کشاورزی از وضعیت اقلیمی در بخش کشاورزی و احتمال وقوع خشکسالی در همان ابتدا مطلع بود و وعده‌های فوق را با این پیش‌زمینه مطرح نمود و حال آن که از همان ابتدا تحقق آن با در نظر گرفتن جمیع جهات محال به نظر می‌رسید.

سوال اینجاست که آیا مهندس اسکندری در هنگام اعلام قطعی و صریح اقوال فوق، وقوع پدیده‌ی خشکسالی را نادیده گرفته بود؟ قطعاً چنین اشتباهی از وزیری با سوابق اسکندری محال و غیر ممکن بود. باز هم به مانیفست سه سال پیش اسکندری برمی‌گردیم که با صراحت گفت:

«اگر نتوانم مسوولیت‌م را اجرا کنم، یا به نتیجه رسیدم این کار از من برنمی‌آید، آن را به کس دیگری می‌سپارم تا بتواند اجرا کند».

چه خوب است مهندس اسکندری بار دیگر نوار نخستین مصاحبه‌اش در ساختمان شیشه‌ای را به دقت گوش کند تا صحت آنچه که تاکنون نوشته‌ایم را تایید نماید.

بازی از نو

هدف همه‌مان یکی است و آن توسعه کشاورزی کشور است. وزارت جهاد کشاورزی، اسکندری، نشریات تخصصی و... تنها وسیله‌ای برای نیل به این هدف است. سال زراعی جدید در راه است و خشکسالی دوباره در کمین؛ درس‌های گذشته را که به قیمت گزاف اندوخته‌ایم، توشه‌ی خود داریم. طعم تلخ تفرقه‌ها و پیامدهای نامیمون آن را چشیده‌ایم و بر آن واقفیم. شیرینی با هم بودن را نیز تجربه کنیم و برای یک بار هم که شده به احترام بخش کشاورزی و کشاورز کاستی‌ها را بپذیریم. دشمنی‌ها و جناح‌بندی‌ها و مرزبندی‌ها را کنار بگذاریم. از با تجربه‌ها بیاموزیم تا ناگزیر به اندوختن همان تجارب به بهای گزاف نشویم. از همین امروز در کارگروه‌های متعدد خشکسالی در زیربخش‌های کشاورزی حاصل یافته‌ها و دستاوردهای مدیران گذشته و آنچه تاکنون آنان باید انجام می‌دادند و ندادند و بالعکس را به کار بگیریم تا سال دیگر بخش یا شوکی دوباره مواجه نشود.

همه چیز رو به راه است

یک پیش‌بینی نادرست از سازمان هواشناسی - که ضریب خطا در آن بخصوص در پیش‌بینی‌های فصلی یا طولانی‌مدت امری طبیعی است - کافی بود تا اسکندری با خیال راحت سال ۸۶ را به پایان رسانده و حتی سودای صادرات گندم را در اواخر اسفندماه در سر بیوراند. وزیر تا فروردین ماه هم خشکسالی را شایعه می‌دانست تا عملاً زمان برای هر گونه عکس‌العملی - هر چند دیر - از سوی دولت از بین برود.

پیامدهای ناخوشایند

در خصوص پیامدهای خشکسالی، تاکنون از حرف و حدیث بسیاری سخن به میان آورده شده که کاهش حداقل ۵ میلیون تن گندم، از بین رفتن اکثر قریب به اتفاق زراعت‌های دیم، بیکاری و مهاجرت چند صد هزار نفر کشاورز، واردات مایحتاج با چند برابر قیمت و میلیاردها دلار ضرر از این رهگذر تنها بخشی از آن است.

از خودکفایی‌ها چه خبر؟!

بار دیگر به نخستین سخنان اسکندری پس از وزارت برمی‌گردیم:

«در نخستین سال وزیر بودیم، علاوه بر خودکفایی گندم و جو، یک میلیون تن ظرفیت صادرات ایجاد می‌کنیم. در ذرت در دو سال، برنج و شکر در سه سال و در تولید روغن

از روزی که وزیر جهاد کشاورزی در نخستین روزهای صدارت در کاخ شیشه‌ای منشور اخلاقی - کاربردی وزارتخانه را در مصاحبه با خبرنگاران تشریح کرد، بیش از سه سال می‌گذرد. اسکندری در آن روز گفت:

«کشاورزی ما روزمره است و تا اتفاقی نیفتد کسی پیگیری نمی‌کند. نباید بگذاریم گرفتاری پیش بیاید و بعد به رفع آن بپردازیم».

و اما:

آن اتفاق افتاد و پس از سه سال شرایط اقلیمی روی دیگر خود را به ما نشان داد. خشکسالی پدیده نوظهور و عجیب و غریبی برای کشور خشک ما نبود که پدران و پدربزرگانمان هم می‌دانستند در پس ترسالی‌ها، خشکسالی نیز نهفته است و باید برای مقابله با آن مهیا بود.

اسکندری اما نه خود را مهیای چنین نبردی کرده بود و نه بخش را نسبت به وقوع آن مسلح. بخصوص آن که سرمای بی‌سابقه سال گذشته، بحران قطع گاز در سراسر کشور و گرایش مردم به استفاده از وسایل گازسوز، دولت را ناگزیر به تولید برق بیشتر از طریق فعالیت بیشتر سدهای مخزنی و راهسازی بخش عمده‌ای از آب‌های ذخیره شده‌ی این سدها نمود. نتیجه آن که امروز خشکسالی فشاری مضاعف را به اراضی کشاورزی وارد می‌کند.